



مقطع تحصیلی: کاردانی ■ کارشناسی □ رشته: مترجمی زبان انگلیسی ترم: دوم سال تحصیلی: ۱۳۹۸-۱۳۹۹

نام درس: کاربرد اصطلاحات در ترجمه نام و نام خانوادگی مدرس: سیده آیلار طاهریان
آدرس email مدرس: تلفن همراه مدرس:

جزوه درس: کاربرد اصطلاحات در ترجمه مربوط به هفته : اول □ دوم □ سوم ■
text: دارد ■ ندارد □ voice: دارد □ ندارد ■ power point: دارد □ ندارد ■
تلفن همراه مدیر گروه :

هفته سوم جلسه سوم مورخ ۹۸/۱۲/۱۴ چهارشنبه از ساعت ۱۷:۰۰ الی ۲۰:۰۰

چند اشاره در انتخاب معادل

۱- بدیهی است که بهترین طریقه ترجمه اصطلاح این است که آن را به اصطلاحی همانند در زبان دیگر ترجمه کنیم. بنابراین اولین گام در ترجمه آن است که مترجم اصطلاحات مشابه را در دو زبان بجوید و برابر هم قرار دهد، اما تعداد این گونه اصطلاحات بسیار محدود است. آن دسته اصطلاحاتی که خاستگاه به اصطلاح ((بین المللی)) دارند، و مثلا از زبان های لاتین یا یونانی وارد دو زبان مبداء و مقصد شده اند، می توانند دارای معادل های مشابهی در دو زبان مورد نظر باشند. دو اصطلاح پاشنه آشیل و شمشیر داموکلس از این زمره اند. (اصطلاح انگلیسی Achilles' heel کنایه تر نقطه ضعف است و بعضی ها آن را در فارسی به کار می برند. معادل دیگر آن چشم اسفندیار است. Sword of Damocles که کنایه از نیش و نوش است.)

همچنین عباراتی که از انجیل، آثار نویسندگان کلاسیک، کلمات قصار و امثال آنها سرچشمه گرفته باشد می تواند نمونه هایی از این مقوله باشد که بودن یا نبودن ، اشک تمساح ریختن و کدورت های گذشته را از یاد بردن و دوست شدن از آن جمله اند. گاه می توان اصطلاحات معادل در زبان های مبداء و مقصد را از زبان ثالثی به عاریت گرفت. به عنوان مثال، اصطلاح The game is not worth the candle در انگلیسی و معادل آن در روسی ، هر دو ترجمه عاریتی اصطلاح Le jeu ne vaut pas la chandelle در زبان فرانسه است.

۲- هرگاه مترجم نتواند در زبان مقصد معادلی برای اصطلاح بخصوصی پیدا کند باید در جستجوی عبارتی معین و مشابه با همان معنای مجازی ، منتها با معنای تحت اللفظی ، متفاوت باشد. اغلب اوقات معانی مجازی مشابه از هم نشینی واژه های متفاوت در دو زبان به دست آید. مثلا می توان اصطلاح انگلیسی to get out of bed on the wrong side را به اصطلاح فارسی از دنده چپ بلند شدن و نیز اصطلاح to bring grist to



somebody's mill را به آب به آسیاب کسی ریختن ترجمه کرد. در این گونه موارد با اینکه تغییری در معنای تحت اللفظی اصطلاح دیده می شود اما از کار آیی آن چندان نمی کاهد. با این همه مترجم باید دو نکته زیر را همواره مد نظر داشته باشد :

اول باید توجه کند که تغییر معنای تحت اللفظی در معنای عاطفی یا خصوصیات سبکی اصطلاح تغییری به وجود نیاورد و گرنه ترجمه صورت نادرست به خود می گیرد. دو اصطلاح انگلیسی و فارسی Jack of all trades و همه فن حریف تز این مقوله هستن و به افرادی اطلاق می شوند که به هر کاری دست می یازند. با وجود این، این دو اصطلاح در فارسی و انگلیسی همسنگ نیستند چرا که از لحاظ عاطفی با هم تفاوت دارند. در زبان انگلیسی این اصطلاح (که به معنی همه کاره است) اصطلاحی موهن قلمداد می شود چونکه فرد مورد نظر master of none یعنی هیچ کاره نیز هست، در حالیکه اصطلاح فارسی همه فن حریف تلویحا به فردی اشارت دارد که انواع کارها را بخوبی انجام می دهد. به همین ترتیب اصطلاح انگلیسی to burn the midnight oil به معنی دود چراغ خوردن و ریاضت کشیدن اصطلاحی است ادبی و در زبان فارسی نباید به صورت مثل خر کار کردن برگردان شود، زیرا این اصطلاح در فارسی حالت کاملا عامیانه دارد.

این نکته را هم باید در نظر داشت که انتخاب سبک خاصی از طرف گوینده ممکن است از حالت عاطفی ویژه ای حکایت کند. یکی از شخصیت های داستان فرسایت ساگا نوشته گلزورثی به خانمی که مورد محبت اوست و رنج و محنت فراوانی کشیده است نگاه می کند و با دلسوزی فراوان می گوید: a burnt child! یعنی طفلکی! این عبارت بخشی از اصطلاح A burnt child dreads the fire است که معنای مجازی آن معادل معنای اصطلاح فارسی (مارگزیده از ریسمان سیاه و سفید می ترسد) است. بدیهی است که مترجم نمی تواند در مقابل این اصطلاح، بخش آغازین اصطلاح فارسی یعنی عبارت مارگزیده را انتخاب کند زیرا این مختصر بار عاطفی طفلکی! را دارا نیست.

دوم اینکه هرگز نباید از شیوه بالا در مواردی که اصطلاح مورد نظر در زبان مقصد آشکارا رنگ و بوی ملی دارد استفاده کرد. معمولا فرض بر این است که متن مورد ترجمه منظور نویسنده یا گوینده اصلی متن را در زبان مبدا بیان می دارد. بنابراین، اصطلاحات برگردان شده نباید آشکارا این رسم و قاعده را نقض کنند. بنابراین، مترجمی که متنی را از انگلیسی به فارسی ترجمه می کند و دنبال تغییری می گردد که نشانگر اوضاع و شرایط خطرناک و مشکل باشد، نباید اصطلاح ((هفت خوان رستم)) را به کار برد. استفاده از این قبیل اصطلاحات که به طور واضح و



آشکار رنگ و بوی ملی دارند فقط هنگامی قابل توجه است که مترجم عمداً بخواهد اصل و منشأ زبان مبدا را مخفی نگاه دارد. ولی این مورد تقریباً استثنایی است. در اغلب موارد بهره‌گیری از اصطلاح‌های خنثی مرجح است. به عنوان مثال، اصطلاح انگلیسی *to carry coals to Newcastle* در روسی به «هیزم به جنگل بردن») ترجمه می‌شود. روش دیگر معادل‌سازی برای اصطلاحی که رنگ ملی دارد استفاده از ترجمه واژه به واژه است. مثلاً همین اصطلاح فوق را می‌توان به صورت زغال سنگ به نیوکسل بردن ترجمه کرد.

۳- همان قسم که قبلاً بیان کردیم، با استفاده از اصطلاحات معادل موجود در زبان مقصد، اعم از آنکه اصطلاح معنای تحت‌اللفظی را حفظ کرده و یا از جانشین استفاده شده باشد، می‌توان به ترجمه خوب دست یافت. با وجود این، ممکن است در زبان مقصد اصطلاح معادلی وجود نداشته باشد و یا اگر هم وجود داشته باشد به علت دارا بودن تلویحات نامطلوب قابل قبول نباشد. در این موارد مترجم می‌تواند با توجه به الگوی اصطلاح در زبان مبدا اقدام به آفرینش المثنی یا نسخه بدل نموده، و به ابداع شبه‌اصطلاحی تازه در زبان مقصد دست یازد.

در این موارد نیز توجه به یک نکته ضروری به نظر می‌رسد. مترجم باید به خاطر داشته باشد که فقط می‌توان برای آن دسته از اصطلاحات بر مبنای صورت اصلی شبیه‌سازی کرد که معنای اصطلاح به دست آمده نسبتاً واضح و روشن باشد، به نحوی که خواننده آن در زبان مقصد بتواند معنای مجازی مورد نظر را به آسانی دریابد. بنابراین ترجمه واژه به واژه اصطلاح *come to a pretty pass* به صورت به گذرگاهی خوش منظره و زیبا رسیدن نتیجه معکوس خواهد داشت، چرا که این اصطلاح به معنی بد جوری گیر کردن است.

نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد این است که مترجم باید اصطلاح جدید را طوری انشا کند که حتی الامکان به اصطلاح واقعی در زبان مقصد شباهت داشته باشد. به عنوان مثال اصطلاح انگلیسی *Rome was not built in a day* را باید به صورت روم یک شبه بنا نشده است ترجمه کرد و نه به صورت روم یک روزه بنا نشده است.

۴- واضح است که با توضیح و تفسیر اصطلاحات نمی‌توان چنانکه باید و شاید معادل مناسبی از ساخت معنایی اصطلاح زبان مبدا به دست داد. در حقیقت با این روش اصطلاح عملاً ترجمه نشده است، چون از هیچ عبارت مجازی همانند زبان مبدا بهره‌گرفته نمی‌شود. از این لحاظ است که مترجم معمولاً به عنوان آخرین راه چاره به این روش دست می‌یازد و اگرچه چندان مطلوب نیست در صورت نبودن راهی بهتر توسل بدان اجتناب ناپذیر است. به عنوان مثال، می‌توان اصطلاحات انگلیسی زیر را با شبه‌معادل‌های فارسی آنها ذکر کرد:



To cut somebody off with a shilling

دیناری برای کسی ارث نگذاشتن

To see eye to eye with somebody

صد درصد موافق با کسی بودن

To send somebody to Coventry

کسی را تحریم کردن

